**آداب و اسرار و آموزش و توسعۀ فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی**

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

رسیدیم به سورۀ مبارکۀ حمد، ما در نماز که حضرت امام خمینی فرمود : معجونی الهی که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت تضمین می کند، اذکاری را به زبان جاری می کنیم، اولش الله اکبر بود، بعد سورۀ حمد، مادر قرآن، ام الکتاب، عصاره و چکیدۀ ‌کتابهای آسمانی، امیرالمومنین (ع) فرمود : خداوند کتابهای آسمانی را خلاصه کرده در قرآن و قرآن را خلاصه کرده است در سورۀ حمد، 7 آیه دارد، به تعداد 7 آسمان، به تعداد روزهای هفته، به تعداد طواف های دور خانۀ خدا، و به تعداد سعی و صفا و مروه، و رملی که حاجیان در سرزمین منا می کنند، حکمتی در این عدد است. سورۀ حمد شفاء است، شفاء دردهای جسمی، دردهای روحی،‌ دردهای فردی، اجتماعی، حدیث داریم اگر سورۀ حمد را بر مرده ای خواندید زنده شد تعجب نکنید. این سوره انسان را زنده می کند. ولی متاسفانه ما با مفاهیم و معانی این آیات خیلی آشنایی نداریم. ابتدا می‌خواهیم بگوییم قرائت نمازگزار باید به عربی صحیح باشد. در کتاب های رساله های عملیه آمده اگر نمازگزار یک جمله را، یا یک کلمه را، یا یک حرف را، یا یک حرکت را اشتباه ادا کند نماز او باطل است. تلاش کنیم قرائت نمازمان را صحیح و حتی الامکان زیبا بکنیم، قرائت صحیح واجب است برای ما و قرائت زیبا مستحب است. احادیث زیادی داریم که پیامبر و امامان ما فرمودند : قرائت های زیبا داشته باشید در نماز، امام سجاد (ع) فرمود: اگر پیامبر آن قرائتی را که در توانش بود در نماز می خواند مردم غش می‌کردند. آنقدر جذاب می خواند. ما باید وقت بگذاریم،ما که خدا را دوست داریم، دینمان را دوست داریم، زیبایی را هم که دوست داریم. خودمان خوشمان می آید وقتی یک قرائت زیبا را می شنویم، قرائت صحیح واجب است و قرائت زیبا مستحب است. اکنون هم نوارهای صوتی و cd در بازار موجود است و در همۀ مساجد کشور عزیز ما هم استاد قرآن است و روحانیون عزیز هستند و یک مقداری وقت بگذاریم التماس کنیم و شاگردی کنیم 10 جلسه، 15 جلسه قرائت هایمان اگر غلط دارد تصحیح کنیم و اگر نازیبا هست زیبا بخوانیم. همین جا به یک سوال دیگری هم باید جواب دهیم که می‌گویند چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟ خوب دین ما دین اسلام است و در سرزمین عرب نازل شده. قاعدتاً هر کتابی از آسمان در هر سرزمینی نازل می شود به زبان همان مردم است آن دین برای اون مردم نیست و برای همۀ اهالی کرۀ زمین است ولی به زبان آنها نازل شده. خداوند حکمتی دانسته که کامل ترین و آخرین دینش را به زبان عربی مبین فرستاده و حدیث داریم که زبان اهل بهشت هم عربی است. عربی زبانی است فصیح، بسیار زیبا، این زبان را اگر می توانیم بیاموزیم و کسانی که زبانشان غیر عربی است مثل فارس زبان‌ها، ترک زبان‌ها، انگلیسی زبان‌ها، باید آشنایی پیدا کنند به زبان دینشان. آیات قرآن که 6236 آیه دارد باید به مفاهیمش فکر کنیم. چگونه فکر کنیم؟ قبل از آن یک حلقه ای وجود دارد، باید بفهمیم، ما ابتدا روی قرائت باید پافشاری کنیم و بعد چرا ما نماز را به عربی می خوانیم؟ دستور دین ما است. نمی شود ترجمه قرآن را بخوانیم، ترجمۀ‌قرآن آن گویایی عربی را ندارد علاوه بر اینکه اگر رسم بشود این ترجمه معلوم نیست در دهه های بعد چه بلایی سر نسل های بعد پیش می آید. این کلام، کلام خدا است، کامل و جامع و زیبا و جذاب است.

و یکی از ایده های مترقی اسلام این زبان بین المللی است. الان همین اذانی که ما در دو برنامه قبل گفتیم که اسلامی گوید همه جا به زبان عربی باید اذان گفته شود. اگر قرار بود چینی ها به زبان چینی الله اکبر بگویند، این را می گویند : چینگ چانگ چونگ، خوب یک ایرانی برود چین اگر اذان پخش شود چیزی متوجه نمی شود. اما وقتی گفته شد هر مسلمان در هر کجای دنیا الله اکبر گفت، می گوید اینجا مسلمان ها هستند و اینجا حتماً مسجد است. چه نظریه مترقی اسلام در هزار و چند صد سال ، الان دنیا به فکر این است که یک ایده ای به نام جهانی سازی در سر دارد. اسلام هزار و چند صد سال می‌گفته جهان باید یکپارچه شود با یک زبان، چه زبانی؟ همان زبانی که کامل ترین کتابی که از آسمان آمده به آن زبان است. یک زبان مشترک، نمیشود با خدا به غیر عربی صحبت کرد؟ چرا، به ترکی، به فرانسوی، به افغانی، به ایرانی، اما در جاهایی ایستگاه هایی به عربی، همه با هم و در کنار هم. خوب سورۀ حمد ، هفت آیه دارد، آیه اول چکیدۀ هفت آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، امیرالمومنین (ع) فرمود: این خلاصۀ قرآن است. چهار کلمه بیشتر ندارد اما یک دنیایی حرف در آن است. تعبیر ما این است که انرژی متراکم معنویت در بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ است، به نام خداوند بخشندۀ‌مهربان. بِسْمِ اللَّهِ 10 تا معنا دارد ما به 2، 3 تای آن اشاره می کنیم. معنای اولش این است کارم را با کمک خدا آغاز می کنم، فکر کردم و برنامه ریزی کردم نمی دانم در این کار موفق خواهم شد یا نه، اما دلم آرام است به مدد الهی که مرا می شناسد و کارم را می شناسد و دوستم دارد حتماً کمکم می کند. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یعنی به کمک خدا و با توکل بر خدا. یک معنای دیگر آن یعنی به رنگ خدا و به خاطر خدا. خوب به نظر شما ممکن است کسی به خاطر خدا دزدی بکند، به خاطر خدا جنایت بکند. این جمله یک جوری است که در آغاز کارهای مسلمان ها آمده انسان ها را از ناهمواری ها، کثافت کاری ها، از پلیدی‌ها دور می کند. یک دزد موقع شکستن قفل مردم که نمی آید بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، همه به او می خندند. همین اندازه که می گوید بِسْمِ اللَّهِ حیا می کند، یعنی کار من برای خدا است، به نام خدا است، به جز نام خدا نام چه کسی را ببریم؟ نام پادشاهان را، نام سلاطین را، ‌نام رئیس جمهور را، آنها همه موجودات ضعیف و محتاجی هستند. یک معنای دیگر بِسْمِ اللَّهِ ، چون اسم از سمم می آید،‌ یعنی نشانه، می‌فرماید یک سرویس چینی شما می خرید که 120 پارچه است تمام قطعه های این چینی آرم کارخانه را دارد، از آن نمک پاش کوچولو تا آن دیس ،‌بشقاب، قوری تمامش آرم آن کارخانه را دارد، بِسْمِ اللَّهِ یعنی من بندۀ‌خدا هستم. ای اهالی دنیا بدانید من مسلمان هستم، من مومن هستم،‌ من نمازخوان هستم، پیغمبر فرمود در آغاز تمام کارهایتان بِسْمِ اللَّهِ بگویید کوچک باشد یا بزرگ، پیدا باشد یا پنهان، مادی باشد یا معنوی، می خواهی بخوابی بگو بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، میخواهی غذا بخوری بگو بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، می خواهد کتاب بخواند بگوید بِسْمِ اللَّهِ، کسب و کارش را می‌خواهد شروع کند بگوید بِسْمِ اللَّهِ ، حتی فرمودند یک بیت شعر که می خواهد بخواند بگوید بِسْمِ اللَّهِ. این آرم بندگی است، انسان غصه می خورد گاهی بعضی ها به خاطر چند کلمه چیزی که بلد هستند و یا هنری که آموخته اند مصاحبه می کند عارش می آید بِسْمِ اللَّهِ بگوید. خبرنگار از او سوالی می پرسد و او بدون بِسْمِ اللَّهِ جواب می دهد. بی‌کلاسی می داند بِسْمِ اللَّهِ گفتن را . چه خبر است آقا؟ فوق لیسانس است،‌مگر فوق لیسانس چقدر سواد است. یا بازیگری است در 2 تا فیلم بازی کرده و تصویرش در سایت ها منتشر شده. قوی ترین مرد جهان آقای حسین رضازاده با یک سرماخوردگی می افتد. ما هرچه داریم از خدا است. هستی ما از خدا است، آغاز ما از خدا است. پایان ما از خدا است،‌ سروکار ما با خدا است. افتخار کنیم. امیرالمومنین می‌فرمود: کافی است برای من این افتخار که من بندۀ تو باشم.